

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ماه‌نامه علمی - پژوهشی، سال هجدهم، شماره نهم، آذر ۱۳۹۷، ۳۹-۵۲

نقدی بر کتاب بهبود فضای کسب‌وکار و تحقق اقتصاد مقاومتی

حمید پاداش*

محمد باشکوه اجیرلو**، بهمن خداپناه***

چکیده

منظور از محیط کسب‌وکار عوامل مؤثر در عملکرد بنگاه‌های اقتصادی است که مدیران یا مالکان بنگاه‌ها نمی‌توانند آن‌ها را تغییر دهند یا بهبود بخشند. کتاب *بهبود فضای کسب‌وکار و تحقق اقتصاد مقاومتی* تألیفی است که محقق آن به دنبال برقراری ارتباط بین محیط کسب‌وکار و تحقق اقتصاد مقاومتی بوده است. در همین جهت، شاخص سهولت کسب‌وکار را انتخاب کرده و با استفاده از جدول‌ها و نمودارهای مقایسه‌ای سعی در موشکافی این ارتباط داشته است. این مقاله با عنوان نقد صوری و نقد محتوایی ساختاربندی شده است. مصداق موردنظر نویسنده (محیط کسب‌وکار) طیف وسیعی از شاخص‌های متمایزی دارد که تفاوت‌های مهمی باهم دارند و نمی‌توان تمام این موارد و مصادیق را یک‌سان و مشابه دانست، اما نویسنده فقط به یکی از شاخص‌ها، که شاخص مهمی نیز به‌شمار می‌رود، اشاره داشته است. نظر به این‌که کتاب مذکور هدف والایی را دنبال می‌کند، تبیینی متقن از ارتباط بین محیط کسب‌وکار و اقتصاد مقاومتی را بر غنای اثر می‌افزاید و انتظار می‌رود تا نویسنده در چاپ‌های بعدی به نکات مطرح‌شده، به‌منظور ارتقای کیفیت اثر، توجه کند.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد مقاومتی، ایران، فضای کسب‌وکار.

* استادیار دانشگاه تهران، دانشکده کارآفرینی، گروه کارآفرینی سازمانی، padash@ut.ac.ir

** دانشیار دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه مدیریت و اقتصاد (نویسنده مسئول)
mohammadbashokouh@gmail.com

*** دانشجوی دکتری دانشگاه تهران، دانشکده کارآفرینی، گروه توسعه، khodapanah@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۲۷

۱. مقدمه

از مهم‌ترین سیاست‌هایی که، در ایران اولین بار و در دیدار کارآفرینان، رهبر انقلاب مطرح کرد، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بود. از جمله مباحث مطرح شده در این سیاست‌ها، تأکید مقام معظم رهبری بر کارآفرینی و نوآوری به‌منزله موتور محرک رشد و توسعه درون‌زای اقتصادی بوده است:

ایران اسلامی [...] خواهد توانست در جهان پر از مخاطرات و بی‌اطمینانی‌ها، با حفظ دستاوردهای کشور در زمینه‌های مختلف و تداوم پیشرفت و تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست‌ساله، اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت‌بنیان، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیش‌رو را محقق سازد و الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد.

دستیابی به چنین الگویی به توجه به محیط کسب‌وکار در کشور نیاز دارد. اقتصاد مقاومتی روشی برای مقابله با تحریم‌های اقتصادی علیه یک منطقه یا کشور تحریم‌شده، با کم‌ترین وابستگی به خارج از کشور درخصوص نیازهای اساسی و راه‌بردی است. رهبر انقلاب اسلامی «اقتصاد مقاومتی» را معنا و مفهومی از کارآفرینی معرفی کرده است و برای نیاز اساسی کشور به کارآفرینی نیز دو دلیل «فشار اقتصادی دشمنان» و «آمادگی کشور برای جهش» را دانسته است. رویکرد اقتصادی ایران با عنوان «اقتصاد مقاومتی» غالباً در برابر اقتصاد تحت‌سیطره غرب دیده می‌شود.

از طرفی، سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (۲۰۱۰ م) فضای کسب‌وکار را مجموعه قوانینی می‌داند که در هزینه شرکت‌ها تأثیر دارد. در واقع، فضای کسب‌وکار شامل زیرساخت‌های اقتصادی، میزان سلامت نظام اداری، امنیت اجتماعی، ثبات در سیاست‌های اقتصادی، قوانین و مقررات، و کیفیت نظام قضایی است که در عملکرد کسب‌وکارها تأثیر مستقیم دارند، ولی تغییر آن‌ها فراتر از اختیارات و قدرت مدیران شرکت‌ها و کسب‌وکارهاست (خاکی و دیگران ۱۳۹۷).

معصومه‌سادات سجادی، در بهبود فضای کسب‌وکار و تحقق اقتصاد جایگاه ایران در شاخص سهولت انجام‌دادن کسب‌وکار و مقایسه آن با کشورهای منتخب را بررسی کرده است و پیش‌شرط رسیدن به اقتصاد مقاومتی را در تسهیل فرایند انجام گرفتن کسب‌وکار در کشور دانسته است. در ادامه، پس از بررسی مبانی نظری، شکل‌گیری و محتوایی اثر مذکور تحلیل و بررسی خواهد شد.

۲. مبانی نظری

وورتنگتون و بریتون (۲۰۱۵ م) محیط کسب و کار را مجموعه عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تکنولوژیکی، حقوقی، و اخلاقی می‌دانند که در فعالیت‌های کسب و کارها اثر می‌گذارد، به گونه‌ای که کسب و کارها یا هیچ‌گونه کنترلی بر آن‌ها ندارند و یا توان بسیار اندکی در کنترل این عوامل دارند (Worthington and Britton 2015). در بررسی فضای کسب و کار، تمایزی کاربردی و مفید می‌توان بین شاخص‌های خارجی که تمایل به اثرگذاری فوری در عملیات روزانه شرکت دارند و شاخص‌هایی که تمایل به تأثیرات عمومی‌تری دارند برقرار کرد. محیط فوری یا عملیاتی (immediate or operational environment) برای بسیاری از شرکت‌ها شامل عرضه‌کنندگان، رقبا، بازار نیروی کار، نهادهای مالی، و مشتریان است و البته ممکن است که مواردی چون سازمان‌های تجاری، اتحادیه‌های تجاری، و احتمالاً شرکت‌های مادر (parent companies) را نیز شامل شود. در مقابل، محیط عمومی یا زمینه‌ای (general or contextual environment) شامل شاخص‌های محیط کلان مانند عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی - فرهنگی، فناورانه، و تأثیرات قانونی در کسب و کارهاست که دامنه وسیع و متنوعی از کسب و کارها را تحت تأثیر قرار داده است و نه تنها از منابع محلی و ملی بلکه از توسعه بین‌المللی و فراملی نیز می‌تواند نشئت بگیرد. این نوع از تجزیه و تحلیل می‌تواند بر عملیات مختلف فعالیت کسب و کارها مانند بازاریابی، کارکنان، تولید یا تأمین مالی نیز تسری پیدا کند، چنین تحلیلی می‌تواند حداقل به دو شیوه مفید واقع شود. نخست، بر تأثیر شاخص‌های خارجی بر نواحی خاصی از شرکت تأکید می‌کند و اهمیت تقابل (رویاریبی) محیط داخلی و خارجی را گوشزد می‌کند؛ دوم، با جلب توجه به این نکته، این واقعیت را برجسته و روشن می‌کند که گرچه سازمان‌های کسب و کار اغلب به اعمال قدری کنترل بر فعالیت‌ها و فرایندهای درونی خود قادرند، در رابطه با محیط خارجی، اعمال کنترل اگر غیرممکن نباشد، اغلب بسیار سخت است. شاخص‌های خارجی اشاره‌شده در بالا از این نقطه نظر که دیدگاهی کلی درباره محیط کسب و کار، با توجه به برخی از عوامل اساسی اثرگذار محیطی در فعالیت کسب و کار، ارائه می‌کند مفید است؛ البته با هماهنگی تمایز بین تأثیرات عمومی و فوری (عملیاتی). یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی که به منظور اندازه‌گیری کیفیت محیط کسب و کار استفاده می‌شود، شاخص سهولت انجام کسب و کار است. پروژه سهولت انجام گرفتن کسب و کار (DB) در حدود چهارده سال پیش به اجرا گذاشته شد. نگاه DB به شرکت‌های کوچک و متوسط

(SMEs) محلی است. اولین گزارش Doing Business در سال ۲۰۰۳ م که ۵ شاخص و ۱۳۳ کشور را پوشش می‌داد منتشر شد (بانک جهانی ۲۰۱۴). در سال ۲۰۰۹ م، این گزارش ۱۰ شاخص و ۱۸۳ کشور را پوشش می‌داد. این پروژه هم‌چنین از بازخوردهای دولت‌ها، دانشگاهیان، و منتقدان نهایت بهره را می‌برد (صالح ۲۰۱۳). در واقع، هدف اولیه این پروژه ارائه یک مبنای ذهنی مبتنی بر فهم و بهبود محیط مقرراتی کسب‌وکار بود و اکنون این پروژه کیفیت محیط مقرراتی را در ۱۸۹ کشور بررسی می‌کند (بانک جهانی ۲۰۱۵). اجرای این پروژه به‌نوعی حس رقابت را نیز بین کشورها برانگیخته تا خود را در گزارش سهولت کسب‌وکار به‌منزله بهترین اصلاح‌گر (best reformer) معرفی کنند. شاخص‌های Doing Business چگونگی سهولت یا سختی راه‌اندازی کسب‌وکار را برای کارآفرینان محلی در حیطه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط بررسی و تحلیل می‌کند. این شاخص^۱ متشکل از ده زیرشاخص شروع کسب‌وکار (starting a business)، اخذ جواز کسب (dealing with construction permits)، اشتراک برق (getting electricity)، ثبت دارایی‌ها (registering property)، دریافت اعتبار (getting credit)، حمایت از حقوق مالکیت (investors protecting)، پرداخت مالیات (taxes paying)، تجارت برون‌مرزی (trading across borders)، اجرای قراردادها (enforcing contracts)، و حل و فصل ورشکستگی (resolving insolvency) است. اقتصاددانان نهادگرایی هم‌چون نورث و توماس (۱۹۷۳) اذعان داشته‌اند که موانع ورود مانع از توسعه می‌شوند (North and Thomas 1973). این ادعای نورث و توماس را بعدها نویسندگان دیگری تأیید و تأکید کردند؛ مثلاً فونسیکا و دیگران (۲۰۰۱) کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) را در بازه زمانی ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۱ م بررسی کردند و نتیجه گرفتند که هزینه بالای شروع یک کسب‌وکار به‌منزله مانعی برای خلق شرکت عمل می‌کند و کارآفرینان بالقوه را از کارفرمابودن به‌سمت کارمندبودن (کارگرویدن) سوق می‌دهد و مشاغل بالقوه را نیز کاهش می‌دهد. هم‌چنین، کار برجسته‌ای که یانکوف و دیگران (۲۰۰۲) انجام داده‌اند مقرراتی را که باعث افزایش ورود شرکت‌ها می‌شود به‌منزله مانعی بر سر راه تأسیس شرکت و رشد اقتصادی نشان دادند (Djankov et al. 2002).

اهمیت دسترسی به منابع مالی، به‌منظور توسعه مالی و سپس رشد و توسعه، نیز اخیراً در ادبیات سهولت انجام گرفتن کسب‌وکار به‌صورت جدی دنبال می‌شود. برخلاف عقاید دهه‌های اول، امروزه قریب‌به‌اتفاق اقتصاددانان بر اهمیت بحث در زمینه تأمین مالی، که

اقتصاددانان عمدتاً مخالف نقش منابع مالی در توسعه بودند، در سهولت شروع کسب و کار اذعان می‌دارند. شومپیتر (۱۹۱۲) از نخستین افرادی بود که بر نقش و اهمیت تأمین مالی در فرایند رشد و توسعه تأکید داشت (Mendoza et al. 2015).

تجارت این اجازه را به تولیدکنندگان می‌دهد تا بازار محصولاتشان را توسعه دهند و مواد موردنیاز (درون‌داد) خود را به بهترین قیمت و کیفیت ممکن خریداری کنند که در صورت فعالیت صرف در بازار محلی چنین امکانی برایشان فراهم نخواهد بود. خط قرمز بروکراتیک (bureaucratic red tape) و هزینه حمل و نقل کالا از جمله مهم‌ترین موانع تجارت امروزی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه است. چنان‌که شواهد حاکی از کاهش درآمد در برخی کشورهای آفریقایی به دلیل وجود رویه‌های تجاری ناکارآمد است (در برخی از این کشورها، کاهش درآمد از این طریق در حدود ۵ درصد تولید ناخالص داخلی است)؛ ۱۰ درصد کاهش در حمل کالاها از کارخانه به کشتی صادرات را در حدود ۴ درصد افزایش می‌دهد و در برخی از کشورهای جنوب صحرای آفریقا (sub-saharan Africa)، که بسیاری از کشورها به دریا دست‌رسی (land locked) ندارند، یک روز کاهش در زمان حمل و نقل زمینی کالاها صادرات را در حدود ۷ درصد افزایش می‌دهد (بانک جهانی ۲۰۱۳). هر کشوری در جهان نظام پیچیده‌ای از قوانین و نهادهای^۲ حامی منافع کارگران را برقرار می‌کند تا از حداقل استاندارد زندگی جمعیت خود اطمینان یابد (یانکوف و دیگران ۲۰۰۲). طبق مطالعات بانک جهانی مدیریت مالیات (ادارات مالیات) در بین ۱۱ محدودیتی است که برای کسب و کارها به منزله محدودیت اصلی عمل می‌نماید و هم‌چنین نرخ مالیات از پنج محدودیت مهم است (بانک جهانی ۲۰۱۳). ادبیات مالیات عمدتاً بر ارتباط بین نرخ مالیات و شاخص‌های توسعه متمرکز شده است. برای مثال، یانکوف و گانسر (۲۰۱۰)، در بررسی شرکت‌های متوسط در ۸۵ کشور، نتیجه گرفتند که مالیات با نرخ بالا با سرمایه‌گذاری کل پایین، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پایین (FDI)، فعالیت‌های کارآفرینانه کم و بخش غیررسمی بزرگ‌تر ارتباط دارد.

سهولت کسب و کار زمان، هزینه، و پی‌آمدهای اقدامات ورشکستگی را مطالعه می‌کند که از جمله مهم‌ترین عوامل موفقیت کسب و کارها در سهولت شروع و انجام کسب و کار است. بنابراین، این شاخص متشکل از سه زیرشاخص است: زمان، هزینه، و نرخ بازیابی. زمان به صورت سالانه حساب می‌شود. هزینه اقدامات به صورت درصدی از ارزش مستغلات محاسبه می‌شود. نرخ بازیابی به صورت سنت‌هایی از هر دلار بازپرداختی اعتباردهندگان در اقدامات ورشکستگی محاسبه می‌شود (بانک جهانی ۲۰۱۵).

روش‌شناسی Doing Business محدودیت‌هایی دارد و نواحی و قسمت‌های بااهمیت مانند مجاورت با بازارهای بزرگ اقتصادی را نادیده گرفته است. کیفیت سایر زیرساخت‌های آن، به جز موضوع مربوط به حیطه‌های تجارت برون‌مرزی و اشتراک برق، محافظت از دارایی‌ها در مقابل سرقت و دزدی، شفافیت در اقدامات دولت، شرایط اقتصاد کلان کشور یا قدرت اساسی مؤسسات و نهادها به وسیله Doing Business بررسی مستقیم نشده است (صالح ۲۰۱۳). شاخص‌ها به انواع خاصی از کسب‌وکارها پرداخته است. بیش‌تر عملیات شرکت‌های با مسئولیت محدود محلی، که در بزرگ‌ترین شهر تجاری قرار گرفته‌اند، بررسی شده است.

با این حال، داده‌ها تنها موانع انجام کسب‌وکار را نشان نداده است، بلکه این داده‌ها هم‌چنین به شناخت منابع این محدودیت‌ها و موانع نیز اشاره می‌کنند و از این جهت، به سیاست‌گذاران در طراحی اصلاحات موردنیاز در قوانین کمک می‌رسانند. رتبه در هر یک از موضوعات به این صورت است که میانگین ساده هر یک از اجزای هر موضوع را به صورت درصدی از کل نشان می‌دهد.

۳. معرفی و توصیف و ارزیابی شکلی کتاب

کتاب بهبود فضای کسب‌وکار و تحقق اقتصاد مقاومتی را، با نظارت «مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد» و با پژوهش‌گری معصومه‌سادات سجادی و نظارت علمی سجاد برخورداری، در مردادماه سال ۱۳۹۴ در ۶۳ صفحه مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد با قیمت ۷۰۰۰ تومان اولین بار با شمارگان ۱۵۰۰ نسخه منتشر کرد.

مباحث این اثر در شش بخش تدوین شده است. بخش اول کتاب به مقدمه اختصاص دارد. در مقدمه اثر، به موضوع ره‌یافت اقتصاد مقاومتی اشاره دارد که به‌کمال‌رسیدن اقتصاد ملی را درگرو ایجاد زیرساخت‌ها و بسترهای مناسب و با حضور و مشارکت فعال مردمی می‌داند. هم‌چنین، در بخش مقدمه، ضرورت توجه به بهبود محیط کسب‌وکار را باتوجه‌به چشم‌انداز ترسیم‌شده ذکر کرده است.

نویسنده در بخش دوم این کتاب به واکاوی اهمیت بهبود فضای کسب‌وکار در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی پرداخته و چنین استدلال کرده است:

محیط کسب‌وکار مجموعه‌ای از عوامل مختلف سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی است که از محدوده اختیارات مدیران بنگاه‌های اقتصادی خارج و غیرقابل‌کنترل هستند و در

بلندمدت، بر عملکرد واحدهای اقتصادی مؤثرند. بهبود فضای کسب و کار منجر به حضور بیش تر بنگاه‌های اقتصادی شده و از این طریق، بدنه تولید، توسعه بخش خصوصی، رشد سرمایه‌گذاری، ایجاد اشتغال و در نهایت تحقق رشد و توسعه اقتصادی در کشور منجر می‌شود و در صورتی که به این مهم توجه ننماییم، کشورهای منطقه به خصوص کشورهای عربی موقعیت بهتری در جذب سرمایه می‌یابند و حتی سرمایه‌گذاران داخلی نیز سرمایه‌های خود را به این کشورها انتقال می‌دهند.

در بخش سوم کتاب به موضوع واکاوی جایگاه ایران در اجزای شاخص سهولت کسب و کار پرداخته شده است. نویسنده، پس از مروری بر تاریخچه گزارش سهولت انجام کسب و کار که بانک جهانی از سال ۲۰۰۳ م انتشار می‌دهد، زیرشاخص‌های این گزارش را معرفی کرده و جایگاه ایران را در هر یک برای سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ م تشریح کرده است. نویسنده ادعا می‌کند که جایگاه ۱۳۰ شاخص سهولت کسب و کار ایران با وجود صعود دوپله‌ای در مقایسه با سال ۲۰۱۴ گویای نامساعد بودن محیط کسب و کار کشور و شکاف فضای کسب و کار با کشورهای منتخب است. از این رو، با توجه به رویکرد اقتصاد مقاومتی در اعتمادسازی، امیدبخشی، باورپذیری، و تسهیل‌گری فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی و مشارکت گسترده مردمی به منظور استفاده از سرمایه‌های انسانی و مالی امکانات موجود ضرورت ویژه‌ای می‌یابد.

پتانسیل و نقاط قوت فضای کسب و کار در ایران در بخش چهارم اثر معرفی شده‌اند. نویسنده اشاره کرده است که به منظور بهبود فضای کسب و کار در کشور لازم است به تفکیک شناخت و تحلیل نقاط قوت و ضعف فضای کسب و کار در کشور پرداخت. از جمله نقاط قوت اقتصاد ایران، به‌زعم نویسنده، عبارت است از نیروی جوان تحصیل کرده، سرمایه اجتماعی موجود در کشور، و منابع طبیعی.

بخش پنجم اثر که باید بخش اصلی آن باشد به تبیین موانع کسب و کار در ایران پرداخته است. نویسنده بر آن است که تأمین امنیت از مهم‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار در جذب سرمایه‌گذاری است و سیاست‌گذاران پیوسته باید به منظور بهبود محیط نهادی و امنیت اقتصادی در تلاش باشند. در این بخش، نویسنده مهم‌ترین موانع کسب و کار در ایران را تحریم‌های بین‌المللی، بی‌ثباتی اقتصادی، قوانین و مقررات پیچیده، و فساد می‌داند.

نویسنده در بخش آخر ضمن جمع‌بندی مطالب مطرح شده در بخش‌های قبل اقدام به ارائه راه‌کارهایی برای بهبود محیط کسب و کار و تحقق اقتصاد مقاومتی در ایران کرده است. تقویت بخش خصوصی، تغییر نگرش در قوانین و مقررات، برخورد با مفسدان اقتصادی،

تأمین ثبات اقتصادی، و تضمین حقوق مالکیت از جمله راه‌کارهای ارائه‌شده به منظور تحقق اقتصاد مقاومتی در نظر محقق است.

این کتاب از نظر مؤلفه‌های جامعیت صوری شرایط مطلوبی ندارد. کتاب دارای پیش‌گفتار، مقدمه کلی، و فهرست مطالب، بخش نتیجه‌گیری، و پیش‌نهادهای کلی است و از شکل و جدول و نمودار برای بیان برخی از مفاهیم استفاده کرده است. اثر فاقد نظم لازم در فصل‌بندی است و شکل‌ها و جدول‌ها و نمودارها بدون فهرست است. این کتاب فاقد ویژگی‌های مطلوب یک کتاب است و بیش‌تر به تحلیل گزارش سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ م و شاخص‌هایی چون سهولت انجام کسب‌وکار (doing business) پرداخته است.

کتاب با توجه به تعداد صفحات آن (۶۳ صفحه) در قطع مناسب و با کیفیت چاپ و صفحه‌آرایی مناسبی چاپ شده است. طراحی جلد کتاب قابل قبول و به‌لحاظ نگارش فارسی و اغلاط چاپی و نمونه‌خوانی در سطح خوبی قرار دارد. اصول نگارش در استفاده صحیح از نشانه‌های سجاوندی نظیر نقطه و ویرگول و نیم‌فاصله به‌خوبی رعایت شده است و مباحث کتاب روان و ساده است و نویسنده با به‌کارگیری جملات کوتاه و قابل‌فهم سعی کرده است تا مطالعه آن برای همه خوانندگان آسان باشد.

جدول‌ها و نمودارها از وضوح کافی برخوردارند. البته، در برخی موارد ضعف‌هایی در کار مشاهده می‌شود، از جمله نوع قلم یا رنگ به‌کاررفته در منبع‌نویسی جدول ۱ در صفحه ۱۴ با نمودار ۳ در صفحه ۱۵ تفاوت محسوسی دارد.

۴. تحلیل و ارزیابی محتوای اثر

مطالب گردآوری‌شده بیش‌تر به دلیل گزارش‌محور بودن آن از نظم منطقی و انسجام کافی برخوردار نیست. البته، مباحث کلی کتاب از جمله شاخص و زیرشاخص‌های سهولت انجام کسب‌وکار کاملاً منسجم و دقیق ارزیابی می‌شود. ارتباط بین اقتصاد مقاومتی و محیط کسب‌وکار، به جز مطالبی که در مقدمه و هم‌چنین نتیجه‌گیری بیان شده است، در سایر قسمت‌های کتاب تبیین نشده است و سؤالی که پیش می‌آید این است که آیا موارد ذکرشده در این کتاب منحصر به اقتصاد مقاومتی است و در اقتصاد متعارف جایی ندارد؟ به‌نظر می‌رسد که با توجه به عنوان بهبود فضای کسب‌وکار و تحقق اقتصاد مقاومتی، بایستی بهای بیش‌تری به مباحث اقتصاد مقاومتی و ارتباطات آن با موضوع محیط کسب‌وکار داده می‌شد و در کل مبانی نظری قوی‌ای که می‌بایست سازوکار تأثیر بهبود فضای کسب‌وکار در تحقق

نقدی بر کتاب بهبود فضای کسب و کار و تحقق اقتصاد مقاومتی ۴۷

اقتصاد مقاومتی را بیان می‌کرد، ارائه نشده و در بیان و تشریح این ارتباطات ضعیف و ناقص عمل شده است.

بخش چهارم کتاب (صفحه ۳۶) «پتانسیل و نقاط قوت فضای کسب و کار در ایران» نام دارد که در این بخش، قبل از ورود به بحث اصلی، اشاره شده که «به منظور بهبود فضای کسب و کار در کشور، لازم است به تفکیک به شناخت و تحلیل نقاط قوت و ضعف فضای کسب و کار در کشور پرداخت»، اما هم در تیتراژ اصلی و هم در زیرتیترها فقط نقاط قوت مورد بحث قرار گرفته است و نقاط ضعف این اقتصاد مورد توجه قرار نگرفته است. هم‌چنین در همین تیتراژ و در صفحات ۳۶، ۳۷، و ۳۸ سه مورد نیروی جوان و تحصیل کرده، سرمایه اجتماعی در کشور، و منابع طبیعی به منزله نقطه قوت فضای کسب و کار در ایران مورد بحث قرار گرفته‌اند. آیا نقاط قوت فضای کسب و کار ایران همین سه مورد است؟ قطعاً خیر. بنابراین، بهتر بود به سایر نقاط قوت موجود در فضای کسب و کار ایران نیز پرداخته شود. هم‌چنین بحث «سرمایه اجتماعی» قوی به منزله نقطه قوتی برای ایران در نظر گرفته شده است، در حالی که طبق گزارش مجمع جهانی اقتصاد (world economic forum) ایران در گزارش سرمایه انسانی (human capital report) در سال ۲۰۱۵ م از بین ۱۲۴ کشور، رتبه ۸۰ و در سال ۲۰۱۶ م در بین ۱۳۰ کشور رتبه ۸۵ را به خود اختصاص داده است که جایگاه بسیار ضعیف در این شاخص را نشان می‌دهد.

همین انتقادات بر بخش پنجم کتاب، با عنوان «موانع کسب و کار در ایران»، وارد است که در مجموع رعایت نکردن نکات مطرح شده سبب گسستگی در تسلسل عناوین و مباحث شده است. در واقع، بهتر بود که به جای نقاط قوت و موانع تحقق، از شیوه ماتریس SWOT که شامل نقاط قوت، نقاط ضعف، و فرصت‌ها و تهدیدهاست استفاده می‌شد.

باتوجه به این که کتاب مورد نظر بررسی دقیقی از رابطه بین اقتصاد مقاومتی و محیط کسب و کار ارائه نداده است، نمی‌توان این اثر را به منزله اثری جامع تلقی کرد. بسیاری از مباحثی که شاید بیش‌تر از شاخص سهولت انجام کسب و کار به بحث اقتصاد مقاومتی مرتبط است (مانند حکم‌رانی خوب که متشکل از ثبات سیاسی، اعتراض و پاسخ‌گویی، اثربخشی دولت، کیفیت مقرراتی، حاکمیت قانون، و کنترل فساد است)، در این نوشتار مورد بحث قرار نگرفته است. تبیین نکردن جنبه‌های گوناگون اقتصاد مقاومتی و نادیده گرفتن بسیاری از موضوعات مرتبط با این مقوله و هم‌چنین ضعف در چگونگی بیان ارتباط بین محیط کسب و کار و اقتصاد مقاومتی از کیفیت روش تجزیه و تحلیل این اثر کاسته است.

موضوع محیط کسب‌وکار و تحقق اقتصاد مقاومتی و رابطه متقابل بین آن‌ها با آنچه در عنوان کتاب نوشته شده است در متن اثر کم‌تر تجزیه و تحلیل شده است. نویسنده اثر مسیرهای اثرگذاری متقابل بین محیط کسب‌وکار و اقتصاد مقاومتی را اغلب با روش توصیفی بیان کرده و جز در موارد تحلیل نموداری جایگاه ایران در سهولت انجام کسب‌وکار و مقایسه آن با سایر کشورها اقدام به بررسی تجربی موضوع و اثبات فرضیه‌های موردادعا نکرده و از بار علمی اثر به شدت کاسته است. نویسنده می‌توانست با ارائه مطالعات تجربی مکانیسم اثرگذاری بهبود محیط کسب‌وکار را بر تحقق اقتصاد مقاومتی نشان دهد، اما از این کار غافل مانده است.

به‌علت تمرکز عمده نویسنده بر فقط یکی از شاخص‌های محیط کسب‌وکار، نویسنده از منابع علمی نه‌چندان زیادی بهره گرفته است. غالب مبانی نظری محیط کسب‌وکار در زمینه سهولت انجام کسب‌وکار را نیز نویسندگان غربی پایه‌گذاری کرده‌اند که نویسنده اشاره‌ای به هیچ‌یک از آثار نویسندگان نام‌آشنایی چون سیمون یانکوف در این زمینه نداشته است. باتوجه به دولتی و شبه‌دولتی بودن اقتصاد کشور و سهم ناچیز بخش خصوصی در این اقتصاد و لزوم ارتقای جایگاه بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی به‌منظور تحقق اقتصاد مقاومتی و نیز باتوجه به تأثیر این مسئله در سطح رقابت‌پذیری اقتصاد و در نتیجه تأثیر آن در قدرت رقابت‌پذیری در بازارهای جهانی ضرورت داشت که نویسنده اثر به اهمیت این مسئله و دخالت‌دادن آن در کنار شاخص سهولت انجام کسب‌وکار و ارتباط آن با اقتصاد مقاومتی اذعان می‌کرد. هم‌چنین، به‌دلیل نپرداختن به جنبه‌های مختلف اقتصاد مقاومتی، به‌ویژه بحث کارآفرینی و اقتصاد دانش‌بنیان، منابع کافی را، که برای استحکام یک نوشتار در قالب کتاب لازم است، ندارد.

نویسنده این کتاب توجه کافی به اصول منبع‌دهی در استنادات و ارجاعات اندک خود نکرده است. به مواردی از این بی‌توجهی‌ها اشاره می‌شود: از صفحه ۳ تا صفحه ۱۲ کتاب کل منابع استفاده‌شده عبارت است از: خضری (۱۳۸۹) در خط ۱۲ صفحه ۸ و اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران (۱۳۹۰) در نمودار ۱ صفحه ۹.

در صفحه ۱۲ شکلی با عنوان نمودار ۲ «سهولت فضای کسب‌وکار و تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی» ترسیم شده است که مأخذ آن یافته‌های پژوهش معرفی شده است. اگر منظور چهارچوب مفهومی پژوهش است که باید در ادامه کار سؤال یا فرضیات تحقیق، که برخاسته از این چهارچوب است، پاسخ داده می‌شد و این چنین نیست. هم‌چنین، با فرض

این که شکل مذکور چهارچوب مفهومی تحقیق است، مبانی نظری که مکانیسم رابطه اقتصاد مقاومتی و محیط کسب و کار را تبیین و مشخص می‌کند باید در متن اثر توضیح داده می‌شد که این کار انجام نگرفته است.

اصولاً عناوین جدول‌ها در بالای جدول‌ها و عناوین نمودارها و اشکال در پایین نوشته می‌شود. در این کتاب، همه جدول‌ها و شکل‌ها و تصویرها در قسمت بالا نوشته شده‌اند؛ برای مثال، نمودار صفحه ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، و ۲۲.

در این کتاب، اصطلاحات تخصصی و معادل‌سازی برای واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی و خارجی به نحوی شایسته رعایت نشده است. برای مثال، هیچ‌یک از زیرشاخص‌های شاخص سهولت انجام کسب و کار، که واژگان تخصصی‌اند، معادل‌سازی انگلیسی نشده‌اند. هم‌چنین، در حال حاضر اکثر محققان داخلی به جای اصطلاح «فضای کسب و کار» از «محیط کسب و کار» استفاده می‌کنند. البته، ناگفته نماند که سیمون وایت (۲۰۰۴) هر دو اصطلاح را مترادف هم دانسته است.

برای اغلب مطالب مورداستناد در متن اثر منبع ارائه نشده است؛ مانند پاراگراف دوم (خط دوم)، صفحه ۸ «در کشور روسیه و بعضی کشورهای اروپای شرقی، دارایی‌ها و شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی واگذار شد، بدون آن‌که رقابت در اقتصاد تقویت و موانع بر سر راه فعالیت‌های بخش خصوصی برداشته شود [...]»؛ پاراگراف اول صفحه ۹ «مجموعه‌ای از عوامل مختلف سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی که از محدوده اختیارات مدیران بنگاه‌های اقتصادی خارج و غیرقابل کنترل بوده و در بلندمدت بر عملکرد واحدهای اقتصادی مؤثرند، محیط کسب و کار را به وجود می‌آورند [...]»؛ صفحه ۱۲، خط ۴ و ۵ و صفحه ۱۳ خط اول «بهبود فضای کسب و کار و ثبات و امنیت اقتصادی منجر به تقویت انگیزه سرمایه‌گذاران خارجی برای سرمایه‌گذاری در کشور می‌شود [...]»؛ پاراگراف آخر صفحه ۱۷ «سردرگمی فعالان اقتصادی برای اخذ مجوز و دریافت استعلام‌های گوناگون و پراکندگی سازمان‌های اعطای مجوز سبب تردید سرمایه‌گذاران برای اقدام به کسب مجوز و یا همه‌گیر شدن روش‌های غیرقانونی و پرداخت رشوه و فساد در کشور می‌شود».

از نظر هماهنگی و سازگاری اثر با ارزش‌های اسلامی باید گفت که اقتصاد مقاومتی ارتباط تنگاتنگی با آموزه‌های دین اسلام و گفتمان ائمه اطهار (ع) دارد، البته مفهوم اقتصاد مقاومتی با اقتصاد اسلامی متفاوت است و نویسنده در قسمت چکیده کتاب به این مورد اشاره کرده است:

سهولت کسب‌وکار و تأمین ثبات و امنیت اقتصادی انگیزه سرمایه‌گذاران خارجی را برای سرمایه‌گذاری در کشور تقویت می‌کند. از این رو، بهبود فضای کسب‌وکار لازمه تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی و دستیابی به اقتصاد ایدئال اسلامی در کشور شناخته شده است (ص ۳، پاراگراف اول).

بنابراین، در پیکربندی کلی کتاب، توجه به گفتمان اسلامی رعایت شده و از این نظر کتاب در سطح بسیار خوب ارزیابی می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

این کتاب هدف والایی را دنبال می‌کند، اما تبیین متقن از ارتباط بین محیط کسب‌وکار و اقتصاد مقاومتی بر غنای اثر خواهد افزود. ارائه‌نکردن دیدگاه‌های مختلف در زمینه محیط کسب‌وکار و اقتصاد مقاومتی در بسیاری از بخش‌های کتاب شکافی بزرگ افکنده است و تلاش نویسنده را برای تدوین یک کتاب منسجم و قابل‌استناد تاحدی بی‌نتیجه گذاشته است که این مورد نیز به‌منزله یکی از نقاط ضعف و شاید مهم‌ترین آن‌ها تلقی می‌شود.

باتوجه به این که کم‌تر کتابی چنین رویکردی را به‌منظور تحقق اقتصاد مقاومتی در کشور دنبال کرده است، چهارچوب کلی کتاب پذیرفتنی است و این مورد به‌منزله نقطه قوت این کتاب است و می‌توان در ویرایش‌های بعدی اثر با انجام‌دادن اصلاحاتی کتاب را غنی‌تر ساخت. بنابراین، باید توجه کرد که سایر جنبه‌های محیط کسب‌وکار به‌هم‌راه مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی نیز می‌تواند مبنای تحلیل دقیق‌تر ما قرار بگیرد.

به‌نظر می‌رسد که اگر نویسنده در نحوه تنظیم مطالب بازنگری کند، کتاب چندین سطح بالاتر قابلیت ارزیابی را خواهد داشت. عنوان تحقیق می‌تواند خود حامل نوآوری باشد. بنابراین، برای چنین عنوانی بسنده کردن به نمودار کلی زیرشاخص‌های سهولت انجام کسب‌وکار ارزش علمی کتاب را پایین می‌آورد و موجب نادیده‌گرفتن نوآوری تحقیق می‌شود.

درون متن کتاب مطالبی ذکر شده است که مبانی نظری و پشتوانه علمی استواری دارد و این مبانی نظری تفاوت نوشته علمی را با سایر نوشتارها تمییز می‌دهد که شایسته بود نویسنده ارجاع به آن‌ها را فراموش نمی‌کرد. بنابراین، پیش‌نهاد می‌شود که در ویرایش‌های بعدی کتاب حتماً منبع درون‌متنی فراموش نشود.

تغییراتی در زیر معیارهای شاخص سهولت انجام کسب و کار رخ داده است. در سال اخیر، بانک جهانی در نحوه محاسبه برخی شاخص‌ها بازنگری کرده است؛ مثلاً اضافه کردن مؤلفه جنسیت به سه مورد از شاخص‌ها (شروع کسب و کار، ثبت مالکیت، اجرای قراردادها) و افزودن کشور سومالی برای نخستین بار به جمع سایر کشورها. بنابراین، پیش نهاد می‌شود که در ارائه ویرایش‌های بعدی این موارد لحاظ شود و یا دست کم به آن‌ها اشاره شود. پیش نهاد می‌شود که نویسنده در ویرایش‌های بعدی کتاب از موضوعاتی دیگر، که با مباحث کتاب مرتبط است، استفاده کند و ارتباط آن‌ها را نیز با تحقق اقتصاد مقاومتی بسنجد و آن‌ها را تحلیل کند. از جمله این شاخص‌ها عبارت‌اند از شاخص رقابت‌پذیری جهانی، شاخص نوآوری جهانی و جایگاه ایران در آن، و موضوع بهره‌وری اقتصاد ایران که به وضوح در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بیان شده است. پرداختن به این موضوع‌ها و تبیین ارتباطات آن با مسئله مورد بررسی در این اثر قطعاً می‌تواند به غنای علمی و کاربردی آن بیفزاید.

پی‌نوشت‌ها

۱. بانک جهانی، در کنار شاخص‌های ده‌گانه، امتیاز فاصله تا مرز (distance to frontier) برای اقتصادهای ۱۸۹ گانه را نیز محاسبه می‌کند. امتیاز فاصله تا مرز فاصله میان عملکرد هر کشور با کشور دارای بهترین عملکرد در هر مؤلفه را به نمایش می‌گذارد. بازه امتیازی از ۰ تا ۱۰۰ است. هرچه امتیاز کشوری به ۱۰۰ نزدیک‌تر باشد، فاصله آن کشور تا کشور دارای بهترین عملکرد در هر مؤلفه کم‌تر خواهد بود (World Bank 2015).
۲. کیفیت خوب محیط نهادی پیش‌نیاز اجرای هر استراتژی یا سیاستی است؛ یعنی حتی با وجود سیاست‌ها و استراتژی‌های مناسب، رسیدن به اقتصاد دانش‌بنیان ممکن است که بدون توجه به محیط نهادی امکان‌پذیر نباشد (لپیچ و کلرو و ۲۰۰۸). به عبارتی دیگر، برای تحقق اقتصاد دانش‌بنیان، وجود نهادها به تنهایی کافی نیست، بلکه این نهادها باید قوی و معتمد نیز باشند. به زعم دیوید و فورای خلق نهادهایی معتمد پیش شرط ایجاد جامعه‌ای دانش‌بنیان است (دیوید و فرای ۲۰۰۳). از این رو، تحقق اقتصاد مقاومتی به سازوکارهایی نیاز دارد که رژیم نهادی کشور را به منزله مشوق و محرک اقتصاد دانش‌بنیان به در آورد. اقتصاد دانش‌بنیان از جمله مباحثی است که رهبری انقلاب نیز در سخن‌رانی‌های متعدد خود به منزله پیش شرط رسیدن به اقتصادی مقاوم، که درون‌زا و رویکردی برون‌گرا داشته باشد، مورد تأکید قرار داده است.

کتاب‌نامه

خاکی، رضا، حسن میرزاخانی، و هادی غفاری (۱۳۹۷)، «ارزیابی مقایسه‌ای محیط کسب‌وکار استان مرکزی با محیط کسب‌وکار استان‌های کشور»، مجلس و راه‌برد، ش ۹۴.

سجادی، معصومه‌سادات (۱۳۹۵)، *بهبود فضای کسب‌وکار و تحقیق اقتصاد مقاومتی*، تهران: مؤسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد.

Djankov, S., R. L. Porta, F. L. Silanes, and S. Andrel (2002), "The Regulation of Entry", *Quarterly Journal of Economics*, vol. 117.

Djankov, S., R. L. Portra and F. Silanes (2004), "The Regulation of Labor", Yale University.

David, P. and D. Foray (2003), "Economic Fundamentals of the Knowledge Society", *Policy Futures in Education*, vol. 1, no. 1.

Lepage, L. and D. Kolarova (2008), "Knowledge Scioety and Transition Economies The Bulgarian Challenge", *Journal of The Romanian Reginal Scince Association*, vol. 2, no. 2.

Mendoza, R. U., T. A. Canare, and A. P. Ang (2015), *Doing Business: A Review of Literature and its Role in APEC 2015*, no. 37, PIDS Discussion Paper Series.

North, D. and R. Thomas (1973), *The Rise of the Western World: A New Economic History*. Cambridge, United King: Cambridge University Press.

Rajan, R. and L. Zingales (1998), "Financial Dependence and Growth", *The American Economic*, vol. 88, no. 3.

Roubini, N. and X. SalaiMartin (1992), "Financial Repression and Economic Growth", *Journal of Development Economics*, no. 39.

Robin, W. (2000), *Managing Complexity/Robin Wood*, London: Economist in Association with Profile Books.

Saleh, A. (2013), "Assessing the Impact of Doing Business Indicators in the GDP Growth in Egypt", *International Journal of Research In Social Sciences*, vol. 3, no. 4.

White, Simon (2004), *Donor Approaches to Improving the Business Environment for Small Enterprises*, Working Group on Enabling Environment, Washington: Committee of Donor Agencies for Small Enterprise Development.

Worthington, I. and C. Britton (2009), *The Business Environment*, Pearson Education.

World Bank (2013), *Doing Business*, Washington D.C: World World Group.

World Bank (2014), *Doing Business*, Washington D.C: World World Group.

World Bank (2015), *Doing Business Report*, Washington D.C: World bank Group.

<<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=25370>>.